

نقش رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه

علی تقوایی‌نیا^{۱*}، اسحق رحیمیان بوگر^۲، آمنه معاضدیان^۳

۱. استادیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران
 ۲. دانشیار روانشناسی سلامت، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
 ۳. استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم و تحقیقات واحد سمنان، سمنان، ایران

* نویسنده مسئول: علی تقوایی‌نیا، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران
 ali.taghvaei@yu.ac.ir

تاریخ پذیرش: مرداد ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: خرداد ۱۳۹۵

نحوه استناد به این مقاله:

Taghvaei-Nia A, Rahimian Boogar A, Moazedian A. The Role of Life Satisfaction and Maternal Employment on Prediction of Depression in High School Girl Students. *Community Health* 2016; 3(4):319-29.

چکیده

زمینه و هدف: شناسایی عوامل پیش‌بین افسردگی دختران نوجوان به منظور طراحی مداخلات مناسب اهمیت دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر در پیش‌بینی افسردگی دختران انجام شد.

روش و مواد: مطالعه حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه شامل ۲۱۸ دانش‌آموز (۱۰۳ نفر دارای مادر شاغل، ۱۱۵ نفر دارای مادر خانه‌دار) دختر پایه اول مقطع متوسطه شهر تهران و مادران آنها بودند که به شیوه‌ی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. دانش‌آموزان بوسیله مقیاس افسردگی Beck و مادران با استفاده از پرسشنامه رضایت از زندگی مورد سنجش قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام با نرم افزار SPSS-19 انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر به میزان $0/65$ (R^2) در پیش‌بینی افسردگی دختران نقش دارد ($P < 0/001$). رضایت زندگی ($\beta = -0/74$) نسبت به شاغل بودن مادر ($\beta = 0/17$) عامل مهم‌تری در کاهش افسردگی دختران است ($P < 0/001$). میزان افسردگی دختران در گروه مادران خانه‌دار راضی با میانگین (انحراف معیار) برابر با $23/6$ ($11/2$) نسبت به گروه مادران شاغل ناراضی با میانگین (انحراف معیار) برابر با $36/2$ ($10/6$) کمتر است ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر عوامل مؤثری در پیش‌بینی افسردگی دختران هستند. ارتقای رضایت از زندگی مادران و بهبود وضعیت اشتغال آنان در پیشگیری از افسردگی فرزندان نوجوان می‌تواند مهم باشد.

واژگان کلیدی: رضایت از زندگی، مادر شاغل، دانش‌آموز، افسردگی

مقدمه

تحصیلی، عزت نفس پایین و خطر خودکشی را به دنبال دارد (۱ و ۲).

بررسی میزان افسردگی در فرزندان مادران فاقد رضایت کافی از زندگی و نیز مادران شاغل قابل بررسی است. در مطالعه‌ای، Demir و همکاران (۳)

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات دوران نوجوانی است که نه تنها نوجوان، بلکه خانواده و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. افسردگی پیامدهایی نظیر مشکل در حفظ عاطفه مثبت، تمرکز، پیشرفت

نسبت به زنان خانه‌دار، احساس اضافه بارکاری را متحمل می‌شوند، استرس بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه استرس بالاتری را برای اعضای خانواده به بار می‌آورند. این نتایج متضاد بررسی‌های بیشتری را جهت فهم دقیق‌تر موضوع ترغیب می‌سازد توجه به رابطه درهم تنیده اشتغال و رضایت از زندگی نیز مهم است. شاغل بودن به طور غیرمستقیم از طریق تأثیرگذاری بر رضایت شغلی، روابط بین فردی و حتی تجربه رویدادهای ناخوشایند بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است (۵) و (۸). به‌علاوه، شاغل بودن زنان و رضایت از زندگی در آنان منجر می‌شود که فرزندان نیز دارای رضایت از زندگی بیشتری در مقایسه با دیگران باشند (۹). رضایت از زندگی در مادران شاغل منجر به این مساله می‌شود که دختران نوجوان این خانواده‌ها در سنین بالاتر ازدواج کرده و بچه‌دار شوند و دارای دلبستگی بیشتری با اعضای خانواده خود باشند و میزان شیوع افسردگی در آنان در مقایسه با گروهی که مادران شاغل در آنها از رضایت زندگی کمتری برخوردار است به مراتب کمتر است. از طرفی، محرومیت مادری با راهبردهای ناسازگارانه و مشکلات درون‌ریزی و برون‌ریزی در کودکان نظیر افسردگی و کناره‌گیری همراه است (۱۰). این یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به نقش مادرانه در برنامه‌های پیشگیری از مشکلات رفتاری و خلقی فرزندان هم‌چون افسردگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت پرداختن به این پژوهش از آنجاست که کودکان و نوجوانان، آینده‌سازان هر جامعه‌ای محسوب می‌گردند و پیشرفت و شکست افراد هر جامعه در گرو سلامت و شکست نوجوانان آن جامعه است. به‌علاوه، رضایت از زندگی در مادران شاغل باعث افزایش شادکامی در اعضا خانواده و فرزندان می‌گردد. به طوری که مقایسه فرزندان نوجوان مادران شاغل در سطوح بالای رضایت از زندگی و تحصیلات بالاتر با فرزندان نوجوان مادران شاغل در سطوح پایین رضایت از زندگی و تحصیلات پایین‌تر نشان داد که معیارهایی چون اشتغال و تحصیلات بالا و رضایت از زندگی باعث افزایش سطح شادکامی

نشان دادند که افزایش سن، داشتن مادران شاغل و تحصیلات پایین مادر رابطه مثبت با افسردگی نوجوانان دارد. نتایج مطالعه Dunifon و همکاران (۴) که به بررسی خلق کودکان مادران شاغل پرداخته مؤید آن است که کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران غیرشاغل عواطف مثبت کمتری دارند، رفتار آنها پیچیده و نابه‌هنگام‌تر است و با مادران خود توافق کمتری دارند. همچنین، این فرزندان موفقیت کمتری در اصلاح روابط مختل شده و آسیب‌دیده خود با دوستانشان دارند. نکته‌ای که در کنار توجه به رابطه بین اشتغال زنان و افسردگی فرزندان قابل بررسی است، مساله رضایت از زندگی در زنان است. به طوری که می‌توان گفت رضایت از زندگی در زنان شاغل رابطه‌ای معنادار با کاهش افسردگی در فرزندان دارد و به طور قابل توجهی از افسردگی فرزندان می‌کاهد. همچنین این مادران بهتر بچه‌داری می‌کنند و فرزندان بهتری تربیت می‌کنند (۳). هرچه رضایت مادر از زندگی و وضعیت اشتغال وی بالاتر باشد، احتمال تعامل بهتر وی با خانواده بیشتر است. همچنین، رضایت از زندگی زنان در تعامل و یا مستقل از وضعیت اشتغال آنان در بروز افسردگی فرزندان اهمیت دارد. زنی که از خانه‌داری خود رضایت داشته باشد به اندازه زنان شاغل احساس خوشبختی می‌کند. طبق برخی از تحقیقات انجام شده، مادران شاغل به طور کلی شاد هستند، بر فواید اشتغال اصرار دارند و عواطف مثبت خود را به فرزندان نیز منتقل می‌سازند (۳). مقایسه بین مادران شاغل و مادران خانه‌دار نیز نشان داده است که مادران شاغل غالباً اظهار رضایت بیشتری از زندگی خود می‌کنند (۵). با این وجود، برخی شواهد نتایج دیگری داشته‌اند. در پژوهشی Wang و Kenny (۶) نشان دادند که اغلب زنان شاغل، بین نقش‌های کاری و خانوادگی و فرزندپروری در تعارض هستند که بر کیفیت زندگی و رضایت از زندگی آنان تأثیرگذار است و این زنان به‌علت مشغله زیاد، وقت کمتری را با خانواده و خویشاوندان می‌گذرانند. به‌علاوه، Holmgren (۷) نیز نتیجه گرفت که زنان شاغل

اجتماعی و اقتصادی و از آنجا که منطقه پنج تهران گروه همگنی از لحاظ عوامل جمعیت شناختی و نیز معرف مناسبی از سایر مناطق شهر تهران می‌باشد، لذا نمونه‌برداری از منطقه پنج انجام گرفت. تعداد مدارس دولتی دخترانه دوره متوسطه منطقه پنج تهران شامل ۳۹ مدرسه بود که با روش کدگذاری تصادفی، شش مدرسه انتخاب شدند. به این ترتیب که از میان مناطق آموزش و پرورش، منطقه پنج انتخاب شد و از بین مدارس دولتی منطقه ۵، شش مدرسه به روش تصادفی انتخاب شدند. سپس، از بین دانش آموزان پایه‌ی اول، فهرستی از دانش آموزان دارای مادران شاغل و خانه‌دار تهیه شد. تعداد ۱۰۳ نفر از دانش آموزان دارای مادران شاغل و ۱۱۵ نفر از دانش آموزان دارای مادران غیرشاغل (خانه‌دار) به روش تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای گردآوری داده‌ها در این مطالعه مقیاس افسردگی Beck، پرسشنامه رضایت از زندگی (SWLS) و پرسشنامه جمعیت‌شناختی بود. مقیاس افسردگی Beck به منظور بررسی شدت افسردگی در این مطالعه استفاده گردید. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی ۲۱ سوالی استاندارد است که برای سنجش شدت نشانگان افسردگی توسط Beck طراحی شده است (۱۴). روایی و اعتبار این پرسشنامه بررسی و تأیید شده است. درجه‌بندی پاسخ به هر سوال، بین ۰-۳ متغیر است. حداقل نمره در این مقیاس صفر و حداکثر آن ۶۳ است. افراد مورد مطالعه برحسب امتیاز کسب‌شده در یکی از گروه‌های غیرافسرده یا طبیعی (۰-۱۰)، افسردگی مرزی (۱۱-۱۵)، خفیف (۱۶-۲۰)، متوسط (۲۱-۳۰)، شدید (۳۱-۴۰) و افسردگی خیلی شدید (۴۱-۶۳) قرار می‌گیرند. روایی و پایایی این مقیاس در تحقیقات متعددی مورد تأیید قرار گرفته است. در ایران این مقیاس هنجاریابی شده است و پایایی آن ۰/۴۹ گزارش شده است (۱۵). ضریب پایایی آن نیز به روش بازآزمایی روی ۲۰ آزمودنی به‌هنجار ۰/۷۶ گزارش شده است (۱۶). در این مطالعه ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به‌دست آمد. پرسشنامه رضایت از زندگی (SWLS) توسط Diener و همکاران (۱۷) برای

در میان اعضا خانواده و فرزندان می‌گردد (۹-۱۲). بی‌تردید نقش کلیدی نوجوانان به عنوان سازندگان جامعه قابل توجه بوده و با توجه به شیوع و پیامدهایی افسردگی در نوجوانان، تحقیقات در جهت تعیین عوامل پیش‌بین افسردگی دختران نوجوان و رابطه آن با رضایت از زندگی و اشتغال مادران لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از این زاویه، پرداختن به رشد و تربیت فرزندان با وجود جامعه‌ای که زنان زیادی در آن به کار بیرون از خانه اشتغال دارند لازم و ضروری است. بررسی تحقیقات مختلف انجام شده مؤید آن است که در تبیین عوامل دخیل بر افسردگی فرزندان زنان شاغل، توافق قطعی میان محققین وجود ندارد. در این بین نیز تحقیقات موجود در رابطه با تأثیر اشتغال زنان بر رضایت از زندگی آنان زیاد نیست و میزان اهمیت هر یک از این متغیرها در پیش‌بینی افسردگی فرزندان نامشخص است. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه انجام شد.

روش و مواد

مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن متغیرهای رضایت از زندگی و شاغل بودن (شاغل و خانه‌دار) مادر به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه به‌عنوان متغیر ملاک (متغیر پیش‌بینی شونده) در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسطه شهر تهران و مادران آنها در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. در این میان، ۲۱۸ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسطه و مادران آنها با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. با توجه به آن‌که در این مطالعه توصیفی، دو پرسشنامه کوتاه استفاده شده و تعداد گویه‌ها نسبتاً کم بود، لذا بر اساس پیشنهاد Kelley و Maxwell (۱۳) برای انتخاب نمونه در تحلیل‌های رگرسیون، نمونه‌ای حداقل ۱۵۰ نفری برای این مطالعه کفایت لازم را دارد. به منظور کنترل پژوهشی بر سایر عوامل جمعیت‌نگاری مخدوش‌کننده نظیر فواصل طبقاتی،

شامل ۲۱۸ دانش‌آموز به همراه مادران آنان بود. این مطالعه به صورت انفرادی و مصاحبه حضوری همراه با تکمیل ابزارهای مطالعه انجام گرفت. مطالعه مبتنی بر رعایت اصول اخلاق پژوهشی، حفظ اسرار شرکت‌کنندگان، اخذ رضایت آگاهانه، رعایت حقوق شرکت‌کنندگان و صیانت از اطلاعات شرکت‌کنندگان انجام گرفت. پرسشنامه‌های مذکور پس از اجرا، جمع‌آوری شد. در نهایت، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از فراوانی (درصد)، میانگین (انحراف معیار)، همبستگی و در سطح آمار استنباطی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام از نرم افزار SPSS-19 استفاده شد.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان شامل ۲۱۸ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسطه با میانگین (انحراف معیار) سنی ۱۵/۱ (۰/۵۴) در دامنه سنی ۱۷-۱۴ سال و مادران آنها با میانگین (انحراف معیار) سنی ۴۷/۵ (۶/۴) در دامنه سنی ۶۲-۳۶ سال بودند. اکثر این مادران دارای ۱-۲ فرزند و طبقه اقتصادی متوسط بودند. بر اساس داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه جمعیت شناختی، از بین مادران دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مطالعه، ۱۰۳ نفر (۴۷/۲٪) شاغل و ۱۱۵ نفر (۵۲/۸٪) فاقد شغل (خانه‌دار) بودند. میانگین (انحراف معیار) افسردگی دختران در گروه مادران خانه‌دار راضی ۱۱/۲ (۲۳/۷) و در گروه مادران شاغل ناراضی ۱۰/۶ (۳۶/۶) بود که با میزان ($t=۸۳۸$) تفاوت معناداری داشتند ($P<۰/۰۰۱$). سن مادران و دختران به دلیل عدم رابطه معنادار با افسردگی دختران، وارد تحلیل رگرسیون نشدند. جدول شماره ۱، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

همه گروه‌های سنی ساخته و توسط Diener و Pavot (۱۸) تجدید نظر شد. این ابزار، مقیاسی پنج ماده‌ای است و هر ماده از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) تشکیل شده است، به طوری که دامنه احتمالی نمره‌های این پرسشنامه از ۵ (رضایت پایین) تا ۳۵ (رضایت بالا) متغیر است. در پژوهشی، Diener و همکاران (۱۹) پایانی آزمون با ضریب آلفای کرونباخ را برابر با ۰/۸۷ و ضریب بازآزمایی نمره‌های این مقیاس را پس از دو ماه اجرا برابر با ۰/۸۲ گزارش کردند. پایایی مقیاس رضایت از زندگی نیز توسط بیابانی و همکاران (۲۰) در جامعه آماری متشکل از ۱۰۹ نفر از دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت که ضریب پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به‌دست آمد. در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد. پرسشنامه جمعیت‌شناختی ابزاری محقق ساخته بود و شامل سوالاتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سن، وضعیت اشتغال، وضعیت اجتماعی اقتصادی و پایه تحصیلی شرکت‌کنندگان بود. روش اجرا این‌گونه بود که در ابتدا به منظور اجرای پژوهش موافقت سازمان آموزش و پرورش منطقه پنج تهران اخذ شد و شش مدرسه دولتی این منطقه به عنوان واحد نمونه‌برداری انتخاب شدند. بعد از آن پژوهشگران پس از طی مراحل اداری اخذ معرفی‌نامه و طبق هماهنگی قبلی با مدیران این شش مدرسه به انتخاب تصادفی دانش‌آموزان دارای مادران شاغل و خانه‌دار اقدام نمودند. در ابتدا، ۱۲۰ دانش‌آموز دارای مادران شاغل و ۱۲۰ دانش‌آموز دارای مادران غیرشاغل انتخاب شدند که ۲۲ نفر از آنها به دلیل عدم مشارکت مادرانشان از مطالعه خارج شدند و در نتیجه نمونه نهایی مطالعه

جدول شماره ۱- میانگین (انحراف معیار) و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	(انحراف معیار) میانگین	r			
		۱	۲	۳	۴
۱. رضایت از زندگی مادران	۲۰/۵ (۶/۷)	-	-	-	-
۲. شاغل بودن مادر	-	۰/۳۱**	-	-	-
۳. افسردگی دانش‌آموزان دختر	۲۳/۵ (۸/۵)	-۰/۴۹**	۰/۵۱**	-	-
۴. سن مادران	۴۷/۵ (۶/۴)	۰/۰۸	۰/۱۱*	-۰/۰۴	-
۵. سن دختران	۱۵/۱ (۰/۵)	۰/۰۶	-۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۰۶

$P<۰/۰۰۱$ ، * $P<۰/۰۰۱$ ، الف= همبستگی دو رشته‌ای

تحلیل دارای ضریب بین ۱-۰/۸ بود که حاکی از عدم هم‌خطی و نیز از طرفی حاکی از ثبات مدل رگرسیونی بود. همچنین، مقدار VIF برای هر متغیر در گام‌های تحلیل در پیش‌بینی افسردگی دختران در دامنه ۱/۲-۱ قرار داشت. آزمون دوربین/واتسون با مقدار ۲/۲ نیز حاکی از ثبات مدل بود. طبق تحلیل رگرسیون چندگانه، یافته‌ها نشان می‌دهند که طی دو گام، دو متغیر رضایت از زندگی در مادر و وضعیت اشتغال مادران به گونه‌ای معنادار می‌توانند افسردگی در دختران را پیش‌بینی کنند (جدول شماره ۲).

در مرحله بعد برای بررسی سهم هر یک از متغیرها در تبیین افسردگی دختران از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام استفاده گردید و از آنجا که برای بکارگیری مدل رگرسیون، آزمون پیش فرض‌های رگرسیون لازم است. لذا برای این منظور، استقلال خطاها با آزمون دوربین/واتسون، هم‌خطی با شاخص‌های ضریب تحمل و تورم واریانس و نیز نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کالموگروف/اسمیرنف بررسی شد. آماره تولرنس یا ضریب تحمل در پیش‌بینی میزان افسردگی دختران در دو گام

جدول شماره ۲- تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام افسردگی دختران بر اساس سهم متغیرهای پیش‌بین

مدل رگرسیون	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ²	Adj R ²
گام اول	رگرسیون	۱	۲۲۸۹/۸	۴۳/۷	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۰/۶۲	۰/۶۲
	باقی‌مانده	۲۱۶	۵۲/۹					
	کل	۲۱۷	-					
گام دوم	رگرسیون	۲	۱۱۸۶/۵	۲۴/۸	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۰/۶۵	۰/۶۴
	باقی‌مانده	۲۱۵	۴۹/۲					
	کل	۲۱۷	-					

مادر ($F_{(2,215)} = 24/8$ و $P < 0/001$) قادرند تغییرات مربوط به افسردگی دختران را پیش‌بینی کنند (جدول شماره ۲). همچنین رابطه این دو متغیر با افسردگی دختران ($R = 0/73$) معنادار است و در مجموع $0/65$ افسردگی دختران را تبیین می‌نمایند ($R^2 = 0/65$). در این گام، وزن وضعیت اشتغال مادر در تبیین افسردگی دختران $0/054$ است. در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی نیز این دو متغیر قادر به تبیین 64% افسردگی دختران هستند ($Adj R^2 = 0/64$). جدول شماره ۳ نیز ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای متغیرهای پیش‌بین افسردگی دختران به روش گام‌به‌گام را نشان می‌دهد.

در گام اول، بر پایه نتایج تحلیل واریانس و شاخص‌های آماری رگرسیون، متغیر رضایت از زندگی در مادران در پیش‌بینی افسردگی دختران نقش معناداری دارد ($F_{(1,216)} = 43/7$ و $P < 0/001$). همچنین رابطه این متغیر با افسردگی دختران ($R = 0/71$) معنادار است و در مجموع $0/62$ افسردگی دختران را تبیین می‌نماید ($R^2 = 0/62$). سهم رضایت از زندگی مادران در تبیین افسردگی در دختران برابر با $0/62$ است. در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی نیز این متغیر قادر به تبیین 62% واریانس افسردگی دختران است ($Adj R^2 = 0/64$). در گام دوم، دو متغیر رضایت از زندگی در مادران و وضعیت اشتغال

جدول شماره ۳- ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام

متغیرهای پیش‌بین	B (ضریب غیراستاندارد)	B (ضریب استاندارد)	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۶۰/۹	-	۳۸/۴	۰/۰۰۱
رضایت از زندگی در مادران	-۱/۵	-۰/۸۱	-۲۰/۸	۰/۰۰۱
عدد ثابت	۶۴/۷	-	۳۶/۳	۰/۰۰۱
گام دوم (نهایی) رضایت از زندگی در مادران	-۱/۳	-۰/۷۴	-۱۷/۶	۰/۰۰۱
وضعیت اشتغال مادر	۴/۳	۰/۱۷	۴/۱	۰/۰۰۱

دختران نقش دارد. یافته‌های مطالعه حاضر همسو با پیشینه نظری و تجربی نشان داد که عامل رضایت از زندگی مادران مهم‌تر از عامل شغل در پیش‌بینی افسردگی دختران نقش دارد و عامل رضایت از زندگی مادر در افسردگی دختران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. پس از بررسی و مقایسه افسردگی دختران دو گروه نتایج تحلیل آماری نشان داد میانگین افسردگی دختران در مادران دارای رضایت بالاتر از زندگی بطور معناداری کمتر از مادران ناراضی از زندگی است. همانگونه که Harold و همکاران (۸) اشاره کرده اند اختلال در مراقبت مادرانه و ناراضی‌تی از زندگی از عواملی است که موجب افسردگی دختران می‌شود. همچنین، نتایج این مطالعه با نتایج مطالعات Perloe و همکاران (۲۱) و کرمان ساروی و همکاران (۲۲) همسو است که نشان می‌دهند فضاهای خانوادگی ناراضی، ناشاد و پر استرس تأثیرات منفی بر سازگاری و سلامت روان‌شناختی فرزندان دارند. مطالعات قبلی توسط Harold و همکاران (۸) و Meadows-Oliver (۲۳) نیز مؤید آن است که رضایت از زندگی در میان عوامل مهم مؤثر بر افسردگی فرزندان است و از طرفی سلامت روان‌شناختی یا سازگاری نوجوان با سازگاری خانواده و میزان تعارض با خانواده همبسته است. بنابراین طبق شواهد قبلی نیز رضایت از زندگی نسبت به عوامل اجتماعی ساختاری دیگر نظیر شاغل بودن مادر عامل مهم‌تری در بروز افسردگی دختران بوده است. در این زمینه می‌توان استدلال

طبق ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون متغیرهای پیش‌بین، در گام نهایی تحلیل دو متغیر رضایت از زندگی در مادران و وضعیت اشتغال مادران با اطمینان ۹۹٪ می‌توانند در کنار هم افسردگی در دختران را به گونه‌ای معنادار تبیین کنند که این تبیین از طریق ورود هر دو متغیر در گام دوم ورود می‌باشد. در بین این متغیرها، متغیر رضایت از زندگی مادران دارای نقش مهم‌تری نسبت به متغیر اشتغال آنان در افسردگی دختران است. وزن رضایت از زندگی در مادران ($B=-1/3$)، ($t=-17/6$) و ($P<0/001$) نشان می‌دهد که این متغیر در کنار وضعیت اشتغال مادر می‌تواند تغییرات مربوط به افسردگی دختران در این نمونه پژوهشی را تبیین نماید که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، وزن (β) رضایت از زندگی مادران در افسردگی دختران نوجوان برابر با $-0/74$ خواهد بود. همچنین، وزن وضعیت اشتغال مادر ($B=4/3$)، ($t=4/1$) و ($P<0/001$) نشان می‌دهد که این متغیر در کنار عامل رضایت از زندگی در مادران می‌تواند تغییرات مربوط به افسردگی دختران نوجوان در این نمونه پژوهشی را تبیین نماید که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، وضعیت اشتغال مادر با وزن (β) برابر با $0/17$ افسردگی دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کند (جدول شماره ۳).

بحث

مطالعه نشان داد که رضایت از زندگی در مادران و شاغل بودن آنان بطور معناداری در افسردگی

مادر به طور غیرمستقیم و از طریق ایجاد حس تنهایی موجب افسردگی می‌شود. تنهایی اثر میانجی‌گری در رابطه بین شاغل بودن مادر و افسردگی دارد. با توجه به این که مادران شاغل، اوقات کمتری را با نوجوانان می‌گذرانند. نوجوان، احساس تنهایی کرده و با احتمال بیشتری دچار افسردگی می‌شود. نتایج مطالعه Augustine (۲۹) نقش فاصله اجتماعی، احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی را در پیش‌بینی افسردگی دانشجویان مورد تأکید قرار می‌دهد. طبق تبیین‌های روان‌پویشی، دلبستگی اولیه به مادر آمیزه‌ای از عشق و نفرت است. وقتی نیازهای وابستگی کودک ناکام می‌ماند، احساس فقدان منجر به عصبانیت می‌شود و چون کودک نمی‌تواند عصبانیتش از فرد محبوب را به راحتی بپذیرد، نفرتش را به خود معطوف می‌کند و افسرده می‌شود و در نتیجه این تعارض‌های حل و فصل نشده، عصبانیت و عشق به دوران نوجوانی کشیده می‌شود (۲۷). طبق نظر Nicholl و Begley (۳۰) نیز می‌توان استدلال نمود که ارتباط هیجانی با خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سازگاری دختران در سنین نوجوانی و جوانی است و افسردگی می‌تواند ناشی از مشکلات ارتباطی با والدین و خانواده باشد. همچنین Magklara و همکاران (۳۱) عقیده دارد که روابط اولیه نامناسب و ناکافی با والدین موجب افسردگی نوجوان می‌شوند. همچنین، رابطه تعاملی دو عامل رضایت از زندگی و شغل مادر در افسردگی دختران مورد تأیید قرار گرفته است. در مطالعاتی جداگانه Bernstein (۲۴) و Usdansky و همکاران (۳۲) نشان دادند میزان افسردگی کمتر مربوط به دخترانی است که دارای مادر شاغل بوده و از زندگی خود رضایت داشتند، و بیشترین میزان افسردگی مربوط به دخترانی است که دارای مادر خانه‌دار بوده و از زندگی خود رضایت نداشتند و افسردگی دختران در گروه مادران خانه‌دار راضی پایین‌تر از گروه مادران شاغل ناراضی است. به‌علاوه، یافته‌های مطالعه Usdansky و همکاران (۳۲) نشان داد مادران خانه‌داری که ترجیح می‌دهند شاغل باشند به اندازه‌ی مادران شاغلی که ترجیح

نمود که رضایت از زندگی نه تنها بر بروز افسردگی در فضای خانواده مؤثر است، بلکه جهت‌گیری به شغل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و در پیش‌بینی افسردگی عاملی مهم‌تر از اشتغال است. در زمینه تعامل این دو عامل، مطالعه Bernstein (۲۴) نشان داد که افسردگی در زنان متأهلی که شغل‌های تحمیلی و غیر رضایت‌بخش دارند و نیز در زنان دارای زندگی زناشویی ناشاد و ناراضی بسیار زیاد است و این حالت روان‌شناختی منفی قابل سرایت به سایر اعضای خانواده از جمله دختران است. از طرفی، یافته‌های پژوهش حاضر بیان‌گر این بود که میزان افسردگی دختران دارای مادر شاغل به‌طور معناداری بیشتر از گروه دارای مادر غیرشاغل (خانه‌دار) بود. این یافته با شواهد قبلی نیز همسو است. یافته‌های مطالعه Slesková و همکاران (۲۵) مؤید آن است که مادران شاغل بین نقش مادرانه‌ی خود و جدایی از فرزندان و شغل در تعارض بودند و پیامد این تعارض افسردگی، اضطراب و آشفتگی‌های روان‌شناختی در فرزندان نوجوان است. نتایج مطالعه Niemi و همکاران (۲۶) نشان می‌دهد که ارتباط کم نوجوان با اعضای خانواده به ویژه مادر شاغل منجر به احساس تنهایی و در نهایت افسردگی خواهد شد. نتایج مطالعه Ruhm (۲۷) نیز نشان داد افرادی که مادران شاغل دارند، مشکلات مداومی در تجربه احساس تنهایی داشته، رشد هیجانی و اجتماعی‌شان با مشکل مواجه می‌شود که به آشفتگی‌های روان‌شناختی از قبیل افسردگی منجر می‌شود. در تبیین میزان بالاتر افسردگی فرزندان مادران شاغل می‌توان گفت نوجوانان به حمایت روحی و عاطفی مادران نیازمندند، به طوری که آنها از والدینی می‌رنجند که برای فرزندان‌شان وقت ندارند و یا در لحظاتی که به آنان نیاز دارد، در کنارش نیستند (۲۸). با توجه به این که دختران نوجوان معمولاً با مادران خود نزدیک‌ترند تا پدران و با آنها بهتر کنار می‌آیند عدم حضور مادر می‌تواند خلأ بزرگی را در خانواده ایجاد کند. به طوری که مادران شاغل قادر به ایجاد فضای گرم، حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده نیستند. می‌توان استدلال نمود که شاغل بودن

مادران، فراهم سازی حمایت اجتماعی مناسب جهت ارتقای بهزیستی روان‌شناختی آنها و کاهش نشانه‌های افسردگی حایز اهمیت است. اگرچه مطالعه حاضر شواهدی را جهت نقش معنادار رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر بر پیش‌بینی افسردگی دختران فراهم نمود، ولی این مطالعه حاوی برخی محدودیت‌ها نیز بود. نخست این که نمونه محدود به دختران اول دبیرستان و شهر تهران بود، بنابراین نمی‌توان نتایج به‌دست‌آمده را به پسرها، سایر شهرها و سایر جمعیت‌های قومی و فرهنگی تعمیم داد. بنابراین، تکرار مطالعات دیگری با نمونه‌های متفاوت عادی و بالینی توصیه می‌گردد. با توجه به این که در این پژوهش، متغیرهای طبقه اقتصادی اجتماعی (میزان درآمد، سطح تحصیلات) و سن مادر و فرزند کنترل شدند، بررسی متغیرهای سن والدین و سن کودک به‌عنوان متغیر کمکی در تحقیقات آتی نتایج ارزشمندتری به‌دست می‌دهد. همچنین، مطالعه‌های دیگری با بررسی نقش متغیرهایی نظیر نوع شغل، میزان درآمد و سطح تحصیلات به عنوان متغیر پیش‌بین توصیه می‌گردد. علاوه بر این تکرار تحقیقات دیگری در مورد نقش میانجی افسردگی مادر بر افسردگی فرزند پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی مسئولین مدارس محل نمونه‌برداری و نیز دانش‌آموزان و مادران شرکت‌کننده در مطالعه کمال تشکر و قدردانی دارند.

می‌دهند خانه‌دار باشند، ولی مجبورند در شغل‌های سطح پایین کار کنند، با احتمال بیشتری افسرده می‌شوند و افسردگی را به فرزندان خود منتقل می‌سازند، از طرفی مادران خانه‌داری که علاقه‌ای به شاغل بودن ندارند، با احتمال کمتری افسرده می‌شوند. می‌توان استدلال نمود شاغل بودن مادر از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم افسردگی دختران و رضایت زندگی مادران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. نوع شغل بر رضایت از زندگی به طور مستقیم تأثیرگذار است، به طوری که زنان دارای مشاغل بالاتر از کنترل بیشتری به کار و خانواده برخوردارند. چنانچه زوج‌ها برای غلبه بر مشکلات همکاری کنند، نه‌تنها از درآمد بیشتر و معیارهای بهتر زندگی برخوردار می‌شوند، بلکه احساس خشنودی و رضایت از زندگی بیشتری را تجربه خواهند کرد. از سوی دیگر، جهت‌گیری شغلی نه‌تنها بر نگرش زن نسبت به خودش تأثیرگذار است، بلکه باعث افزایش خودکارآمدی و عزت نفس آنها نیز می‌شود. نتیجه نهایی مطالعه حاضر این بود که رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر عوامل مؤثری در پیش‌بینی افسردگی دختران هستند. بنابراین، ارتقای رضایت از زندگی مادران و بهبود وضعیت اشتغال آنان در پیشگیری از افسردگی فرزندان نوجوان می‌تواند مهم باشد. بر اساس نتایج مطالعه‌ی حاضر، تلاش در جهت تغییر افسردگی دانش‌آموزان از طریق افزایش کیفیت شغل و سطوح رضایت از زندگی

REFERENCES

1. Klein DN, Kotov R, Bufferd SJ. Personality and Depression: Explanatory Models and Review of the Evidence. *Annual Review of Clinical Psychology*. 2011; 7:269–295.
2. MolaBaghery M, Jalalmanesh S, Zeraati H. Considering the rate symptoms of Depression of the adolescents and its relation with the marital satisfaction of their mothers in township of Tuyserkan in 2004. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2006;8(30):43-50. (Full Text in Persian)
3. Demir T, Karacetin G, Demir DE, Uysal O. Epidemiology of depression in an urban population of Turkish children and adolescents. *Journal of Affective Disorders*. 2011;134:168-176.
4. Dunifon R, Kalil A, CrosBy D, Su JH. Mothers' Night Work and Children's Behavior Problems. *Developmental Psychology*. 2013;49(10):1874–1885.
5. Ho MY, Cheung FM, Cheung SF. Personality and life events as predictors of adolescents' life satisfaction: do life events mediate the link Between Personality and life satisfaction. *Social Indicators Research*. 2008;89:457-71.

6. Wang MT, Kenny S. Longitudinal Links Between Fathers' and Mothers' Harsh Verbal Discipline and Adolescents' Conduct Problems and Depressive Symptoms. *Child Development*. 2014;85(3):908–923.
7. Holmgren K, Dahlin-Ivanoff S, Björkelund C, Hensing G. The prevalence of work-related stress, and its association with self-perceived health and sick-leave, in a population of employed Swedish women. *BMC Public Health*. 2009;9:73.
8. Harold GT, Leve LD, Kim HK, Mahedy L, Gaysina D, Thapar A, et al. Maternal caregiving and girls' depressive symptoms and antisocial Behavior trajectories: An examination among high-risk youth. *Development and Psychopathology*. 2014;26(0):1461–1475.
9. Berger EM, Katharina KS. Maternal life satisfaction and child outcomes: are they related? *Journal of Economic Psychology*. 2011;32:142-58.
10. Ghaedniay Jahromi A, Hatami M, Farmani Shahreza S, Darharaj M. Comparison of Behavioral Disorders Prevalence Rate in Children with Employed and Unemployed Mothers. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*. 2014;1(3):15-20.
11. McLaren L, Kuh D, Hardy R, Mishra G. Postnatal depression and the original mother child relationship: A prospective cohort study. *Journal of Affective Disorders*. 2007;100:211-219.
12. Bakhtari Aghdam F, Ahmadzadeh S, Hassanalizadeh Z, EBrahimi F, SaBzmakan L, ZeinaB JavadiVala Z. The Effect of Maternal Employment on the Elementary and Junior High School Students' Mental Health in Maku. *GloBal Journal of Health Science*. 2015;7(2):379-385.
13. Kelley K, Maxwell SE. Sample Size for Multiple Regression: Obtaining Regression Coefficients That Are Accurate, Not Simply Significant. *Psychological Methods*. 2003;8(3),305–321.
14. Beck AT, Steer RA, GaBrin MG. Psychometric properties of the Beck Depression Inventory. *Clinical Psychology Review*. 1988;8:77-100.
15. Yazdkhasti F, Yarmohammadian A. Comparing correlation Between mother's depression and their deaf and hearing adolescent daughter's emotional intelligence. *Journal of Research in Behavioral Sciences*. 2010;8(1):75-8. (Full Text in Persian)
16. ÂlBoukordi S, Noury R, Nikoosiyar Jahromi M, Fathollah Zahedian S. The Relationship Between Self-Esteem and Social Support with Depression in Male Prisoners. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*. 2010;20(77):62-68. (Full Text in Persian)
17. Diener E, Emmons RA, Larsen RJ, Griffin S. The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*. 1985;49(1):71–75.
18. Pavot W, Diener E. Review of Satisfaction with Life Scale. *Journal of Psychology Assessment*. 1993;2:164-72.
19. Diener E, Oishi S, Lucas RE. Personality, culture and SuBjective well-Being: Emotional and cognitive evaluation of life. *Annual Review of psychology*. 2003;54:403-25.
20. Bayani AA, Koocheky AM, Goodarzi H. The Reliability and Validity of the Satisfaction with Life Scale. *Journal of Iranian Psychologists*. 2007;3(11):259-265. (Full Text in Persian)
21. Perloe A, Esposito-Smythers C, CurBy TW, Renshaw KD. Concurrent Trajectories of Change in Adolescent and Maternal Depressive Symptoms in the TORDIA Study. *Journal of Youth and Adolescence*. 2014; 43(4): 612–628.
22. Kermansaravi F, Montazeri A, Bayat M. Quality of life in employed and housewife women: a comparative study. *Payesh*. 2012;11(1):111-116. (Full Text in Persian)
23. Meadows-Oliver M. Adolescent Mothers' Experiences of Caring for Their Children While Homeless. *Journal of Pediatric Nursing*. 2009;24:458- 467.
24. Bernstein AB. Motherhood, health status, and health care. *Women's Health Issues*. 2001;11:173-184.
25. Sleskova M, Tuinstra J, Madarasova Geckova A, van Dijk JP, Salonna F, Groothoff JW, et al. Influence of parental employment status on Dutch and Slovak adolescents' health. *BMC Public Health*. 2006;6:250.

26. Niemi ME, Falkenberg T, Nguyen MTT, Nguyen MTN, Patel V, Fazelid E. The social contexts of depression during motherhood: A study of explanatory models in Vietnam. *Journal of Affective Disorders*. 2010;124(1-2):29-37.
27. Ruhm CJ. Maternal Employment and Adolescent Development. *LaBour Economics*. 2008; 15(5): 958-983.
28. Jensen L, Borges M. The effect of maternal employment on adolescent daughters. *Journal of Adolescence*. 1986;21:659-666.
29. Augustine JM. Mothers' employment, education, and parenting. *Work and Occupations*. 2014;41:237-270.
30. Nicholl HM, Begley CM. Explicating Caregiving By Mothers of Children with Complex Needs in Ireland: A Phenomenological Study. *Journal of Pediatric Nursing*. 2012; 27(6): 642-651.
31. Magklara K, Bellos S, Niakas D, Stylianidis S, Kolaitis G, Mavreas V, et al. Depression in late adolescence: a cross-sectional study in senior high schools in Greece. *BMC Psychiatry*. 2015;15:199.
32. Usdansky ML, Gordon A, Wang X, Gluzman A. Depression Risk among Mothers of Young Children: The Role of Employment Preferences, LaBor Force Status and JoB Quality. *Journal of Family and Economic Issues*. 2012;33(1):83-94.

Archive of SID

The Role of Life Satisfaction and Maternal Employment on Prediction of Depression in High School Girl Students

Ali Taghvaei-Nia^{1*}, Isaac Rahimian Boogar², Amaneh Moazedian³

1. Assistant Professor of Educational Psychology, Department of psychology, Yasuj University, Yasuj, Iran.

2. Associated Professor of Health Psychology, Department of clinical psychology, Semnan University, Semnan, Iran

3. Assistant Professor of Psychology, Department of psychology, Azad University of Semnan, Semnan, Iran.

Corresponding Author: Ali Taghvaei-Nia, Department of psychology, Yasuj University, Yasuj, Iran

Email: ali.taghvaei@yu.ac.ir

How to cite this article:

Taghvaei-Nia A, Rahimian Boogar A, Moazedian A. The Role of Life Satisfaction and Maternal Employment on Prediction of Depression in High School Girl Students. *Community Health* 2016;3(4):319-29.

Abstract

Background and Objective: Identification of depression predictors among Adolescent girls is important for providing the appropriate interventions. The purpose of this study was to examine the role of life satisfaction and maternal employment on prediction of depression in high school girl students.

Materials and Methods: The research design was correlational descriptive study. The participants were 218 high school students with their mothers (including 103 girl high school students with employed mothers and 115 girl high school students with unemployed mothers) from Tehran and were selected by multi-phase cluster sampling method. The measures used in this study were Beck depression scale that was completed by students and Life Satisfaction Questionnaire that was completed by mothers. Data analysis was performed through correlation coefficients and stepwise multiple regression with SPSS-19.

Results: The results showed that mothers' life satisfaction and maternal employment with amount of 0.65 (R^2) had significant role on prediction of the daughters' depression ($P < 0.001$). Mothers' life satisfaction ($\beta = -0.74$) is more important factor in reduction of daughters' depression than maternal employment with ($\beta = 0.17$) ($P < 0.001$). Daughters' depression in satisfied unemployed mothers group with Mean (SD) 23.6 (11.2) was lower than in unsatisfied employed mothers group with Mean (SD) 36.2 (10.6) ($P < 0.001$).

Conclusion: Life satisfaction and maternal employment are important factors in predicting of depression in daughters. Promoting the life satisfaction of mothers and improving their employment status may be important for prevention of depression in teenager offspring.

Keywords: Life satisfaction, Employed mother, Student, Depression